فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)
سال هفتم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۹

ضمانت اجراهای اداری و انتظامی منشور حقوق شهروندی

شهناز جهانگیری[۱] ؛ نادر میرزاده کوهشاهی[۲]

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۰۴
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۵

چکیده

قواعد حقوقی بدون ضمانت اجرا، کارکرد موثر خود را از دست داده و نزد افراد جامعه قابلیت احترام و مراعات را نخواهد داشت. اگر اجرای قواعد حقوق شهروندی را به عنوان زیرمجموعه‌ای از حقوق عمومی، مستلزم داشتن ضمانت اجراهای موثر بدانیم؛ ناگزیریم پای‌بندی دولت‌ها و کارکنان بخش عمومی را به این قواعد در میان ضمانت اجراهای آن جستجو کنیم؛ زیرا ضمانت اجرا به عنوان پاسخی که برای ناقضان قواعد حقوقی است شامل: انواع ضمانت اجراهای کیفری، اخلاقی، مذهبی، حقوقی و اداری می‌شود. اصلی‌ترین حوزه تحقق حقوق شهروندی، دولت و عرصه خدمات عمومی است و منشور حقوق شهروندی به عنوان اصلی‌ترین سندی که مصادیق مختلف از این حقوق در آن تجمیع شده است؛ در بخش دولتی دارای ضمانت اجراهای اداری و انتظامی متعددی از قبیل اصول حقوق اداری، نظارت، اقدامات مدیریتی و انواع مجازات‌های انتظامی از تذکر گرفته تا انفصال و اخراج کارمند بی‌توجه به مفاد حقوق شهروندی است؛ از این‌رو، هدف این پژوهش، مطالعه ضمانت اجراهای اداری و انتظامی منشور حقوق شهروندی در دستگاه‌های دولتی به صورت تحلیلی - توصیفی با شیوه کتابخانه‌ای است. نتایج موجود اثبات می‌کند منشور حقوق شهروندی دارای ضمانت اجراهای اداری و انتظامی متعددی است که ایفای وظایف دولت در این حوزه را مورد تاکید قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، منشورحقوق شهروندی، ضمانت اجرا، اصول حقوق اداری، تخلفات اداری.

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران jahangiri.sh48@gmail.com

۲ - استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، mirzadeh@ut.ac.ir

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

۱- مقدمه

دانش حقوق در پی تنظیم روابط بین افراد، نهادها، اجزای دولت یا افراد و دولت است. وقتی موضوع حقوق شهروندی مطرح می‌شود؛ غرض مجموعه‌ای از قوانین و مقررات وضع شده برای تنظیم و تبیین روابط بین شهروندان و حاکمیت است.

این حقوق در کشور ما سابقه اندکی دارد و در اولین تظاهرات حقوقی راجع به حقوق شهروندی باید به یکی از احکام مندرج در برنامه توسعه چهارم اشاره کرد که در ماده ۱۳۰ قانون یاد شده، وظایفی بر عهده قوه قضاییه گذاشته شده بود، از آن جمله «تدوین لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد» بود.

با اغماض می‌توان گفت کمتر از بیست سال پیش در ادبیات حقوقی ما مطرح شد؛ اما آنچنان که باید جان نگرفت تا اینکه در سال ۱۳۹۲ و در بحبوحه تبلیغات انتخاباتی ریاست جمهوری از سوی یکی از نامزدهای انتخاباتی مورد اشاره واقع شد؛ سپس نسخه اولیه آن به نام پیش‌نویس ۰۱ منتشر شد (سلیمی‌بنی، ۱۳۹۷: ۱۲۰) و سرانجام در سال ۱۳۹۵ و در قالب «منشور حقوق شهروندی» از سوی ریاست جمهوری به دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی ابلاغ شد.

در حال حاضر، بدون تردید یکی از شرایط برای تحقق حکمرانی خوب و «به‌زمامداری» در کشور، توجه به منشور حقوق شهروندی است و بدون این توجه، در برقراری یک نظام مردم‌سالار که متضمن حقوق و آزادی‌های عمومی باشد، باید تردید کرد. با توجه به رویکرد اصلی مقاله به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که چه ضمانت اجراهایی در حقوق اداری تضمین‌کننده مفاد منشور حقوق شهروندی هستند؟ سپس ضمانت اجراهای اداری و انتظامی منشور حقوق شهروندی، بازشناسی و معرفی شوند.

باید در نظر داشت هر قاعده حقوقی از ضمانت اجراهای خاص خود برخوردار است و وضع ضمانت اجراهای یکسان، نه‌تنها کمکی به اجرای قواعد حقوقی نمی‌کند؛ بلکه باعث بی‌اثرشدن نقش تضمین‌شده و قاعده وضع‌شده را هم در موضع انفعالی قرار می‌دهد. (محمودی، ۱۳۹۰: ۲۳)

شیوه و روش تحقیق مقاله، تحلیلی- توصیفی و با استفاده از کتاب‌ها، مقالات و اسناد مختلف انجام شده است. نگارندگان به دنبال مصادیق ضمانت اجرای منشور حقوق شهروندی در نظام اداری و مجموع این پی‌جویی‌ها منجر به این یافته است که در نظام اداری برای اجرای مفاد منشور حقوق شهروندی، ضمانت اجراهای اداری و انتظامی متعددی وجود دارد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

بر اساس آنکه موضوع این پژوهش، مطالعه ضمانت اجراهای اداری و انتظامی سند خاصی به نام منشور حقوق شهروندی است؛ از این‌رو، باید در نظر داشت عمده‌ترین مفاهیم در این مطالعه شامل: مفاهیم شهروندی و حقوق شهروندی، منشور حقوق شهروندی، ضمانت اجراهای اداری و انتظامی می‌شوند.

از دیدگاه برخی نویسندگان، شهروند یعنی فردی والا و حاضر برای فعالیت‌های مختلف و حتی تصدی مناصب مختلف. (فالکس، ۱۳۸۱: ۴۴) که این تعریف در نظر آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس چپ‌گرا تبدیل به عضو یک اجتماع سیاسی می‌شود که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است (حسین‌آبادی و تقوایی، ۱۳۸۸: ۳). باید گفت شهروندی مدرن، دستاورد انقلاب کبیر فرانسه است (ترنر، ۱۳۸۶: ۱۶۱). در شهروندی مدرن، افراد علاوه بر ویژگی‌های بالا، دارای حقوق مساوی هستند و موضوع حقوق و آزادی‌های فردی، دغدغه مهم دولت‌هاست و حقوق شهروندی جزءلاینفک جامعهٔ مدنی و مبنای تشکیل آن به‌شمار می‌رود (Turner, 1994: 381)؛ چرا که امکان مشارکت داوطلبانهٔ همهٔ افراد را در تمام عرصه‌های اجتماعی فراهم می‌سازد؛ بنابراین، در گذر از جوامع سنتی به مدرن، تغییراتی درجهت تحقق حقوق شهروندی در سطوح فردی و ساختاری پدید می‌آید (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۳) در ساختار زبانی، «شهروند» مرکب از دو کلمهٔ «شهر» به معنای جامعهٔ انسانی و «وند» به معنای وابسته به این جامعه و از واژه لاتین Civitas مشتق شده است (بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷). امروزه شهروند، اصطلاحی است که با نفوذ حقوقی مدرن و تلقی‌های جدید، مفهوم وسیعی یافته و مترادف تمام اتباع یک کشور به کار می‌رود و مصادیق آن؛ آزادی، مالکیت و امنیت است (ساعی ارسی، ۱۳۹۱: ۱۶۵). دولت مدرن از افرادی با حقوق برابر تشکیل شده است و هیچکس اقتداری بر دیگری ندارد و کل اعضای جامعه در تکوین اراده عمومی که یگانه سرچشمه اقتدار مشروع است، شرکت می‌کنند (عالم، ۱۳۸۵ :۱۹۹). می‌توان گفت در حقوق شهروندی، مفهوم حقوق ابتدا با مفهوم آزادی شهروندی گره خورده است. در نگاهی مدرن به حقوق شهروندی، آزادی شهروندی به عنوان نقطه شروع استقلال طبیعی انسان، با رهایی شهروند از اسارت اراده‌های فردی و اطاعت وی از قوانین مدنی تحقق می‌یابد(Schlangen, 1973: 168) . می‌توان گفت تعداد زیادی از حقوقدانان، صفات و ویژگی‌های مشترکی برای حقوق شهروندی قائلند (اکبری، ۱۳۹۷: ۱۸) و این حقوق را جزء حقوق بنیادین و اولیه انسان می‌دانند؛ یعنی حقوقی که وجود آن مایهٔ قوام و نبود آنها، موجب زوال شخص یا شخصیت انسان می‌شود (کریمی و کامیار ۱۳۹۶: ۴۴). این تعریف، اطلاقی عام است بر مجموعه

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند؛ بنابراین شهروندی فراتر از مفهومی تحت عنوان تابعیت می‌یابد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۶) و به عنوان مفهومی عام و هم‌سنگ هر واحد اراده سیاسی درمی‌آید.

۲- منشور حقوق شهروندی

وقتی دولت ایران در سال ۱۳۴۷، میثاقین بین‌المللی «حقوق مدنی و سیاسی» و «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد را امضا کرد و پس از چندی در سال ۱۳۵۴، مجلس شورای ملی، قوانین الحاق دولت ایران به میثاقین یاد شده را به تصویب رساند؛ عملا حقوق بشر و شهروند وارد واژه شناسی‌حقوقی ما شد (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۲) . با این حال، بیشتر به دلایل سیاسی؛ نظام حقوقی کشور ما چندان با مفاهیم مربوط به حقوق بشر به‌خصوص با توجه به هنجارهای پذیرفته شده جامعه جهانی آشنایی نداشت و به همان دلایل پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، مفهوم حقوق بشر، جای خود را در مباحث داخلی و علمی به «حقوق شهروندی» داد. بر این اساس، عبارت «حقوق شهروندی» تا مدت‌ها به جای مصداق‌های «حقوق بشر» به کار می‌رفت.

بخشنامه سال ۱۳۸۳ رئیس قوه قضاییه و تصویب «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» در همان سال، اسناد انگشت‌شماری هستند که از مفهوم حقوق شهروندی استفاده کردند؛ ولی رسماً به حقوق خاصی از بخش محدودی از شهروندان تاکید داشتند؛ تا اینکه از سال ۱۳۸۳، عبارت «حقوق شهروندی» با حکم مواد ۱۰۰ و ۱۳۰ قانون برنامه پنجساله چهارم وارد گفتمان رسمی هنجارهای حقوقی ایران شد که در آن دولت و قوه قضاییه موظف به تنظیم و تصویب «منشور حقوق شهروندی» و «لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد» شده بودند.

شاید بتوان گفت کل بضاعت متون حقوقی ایران تا سال ۱۳۹۲ دربارۀ حقوق شهروندی، همین اسناد است (سلیمی، ۱۳۹۷: ۱۱۹). در حال‌حاضر، منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران سندی ۱۲۰ ماده‌ای مستند بر قانون اساسی ایران و از مهم‌ترین اسناد حقوق شهروندی ایرانیان است که در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۹ از سوی رئیس‌جمهور امضا شد و چند ماه بعد، مصوبه ۱۹ ماده‌ای آن در نظام اداری هم تصویب و ابلاغ شد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

۱-۲. ماهیت هنجاری منشور حقوق شهروندی

با وجود صدور این منشور در مورد ماهیت هنجاری این منشور و جایگاه آن در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی در بین حقوقدانان اختلاف زیادی است. در ابتدا باید در نظر داشت طبق یکی از نظریات حقوقی که به نام نظریه حقوقی محض معروف است؛ هر قاعده حقوقی، شأن خود را از قاعده مافوق اخذ می‌کند و ضرورت تبعیت از آن، در پناه اعتباری توجیه می‌گردد که قاعده مافوق به او اعطا می‌کند (شریف، ۱۳۸۱: ۵۹) . این شبکه تنیده شده از قوانین است که با قاعده حقوقی یا هنجار، شکل گرفته و جایگاه خود را می‌یابد.

از این‌رو، باید گفت قاعده حقوقی یا هنجار، «قاعده‌ای الزام‌آور» است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۵۸). ارتباط بین عدالت و هنجار حقوقی، همان قدر وثیق است که ارتباط بین نظم اجتماعی و سلسله مراتب هنجارهای حقوقی یک نظام حقوقی؛ زیرا جایگاه هنجار حقوقی در سلسله مراتب است که تعیین می‌کند نظم حقوقی در یک کشور چگونه شکل بگیرد.

می‌توان در نظر داشت بدون این سلسله مراتب، نظم حقوقی در کشور وجود ندارد و بدون وجود نظم حقوقی در یک جغرافیای سرزمینی، نمی‌توان قائل به مفاهیمی به نام نظم اجتماعی و عدالت شد.

از این‌رو تضمین حقوق و آزادی‌های بنیادین در گروی معین بودن صلاحیت‌های هنجارسازی در چارچوب سلسله مراتب هنجارها در نظم حقوقی است؛ چرا که پایبندبودن هنجارهای مادون به هنجارهای مافوق، خود عامل بازدارنده‌ای در مقابل تعهدات، تجاوزها و سوءاستفاده‌های شخصی از حقوق تفویضی مردم است. عدم رعایت سلسله مراتب هنجارهای حقوقی؛ از یک سو، چارچوب‌های نظام حقوقی را به لغزش می‌اندازد و آن را از معنا تهی می‌سازد و از سوی دیگر، بی‌اعتمادی افراد جامعه به نظام سیاسی و حقوقی و درنهایت، ناهنجاری اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (زادعیسی، ۱۳۸۸ :۱۱).

از این نظریات حقوقی که وارد دنیای هنجارهای حقوقی ملی ما در ایران می‌شویم؛ متاسفانه با آشفتگی‌هایی روبه‌رو هستیم که در طی سالیان دراز تبدیل به یکی از مختصات نظام حقوقی کشور شده است. این آشفتگی‌ها در برخی موارد به اندازه‌ای زیاد است که به عقیدهٔ برخی حقوقدانان؛ کیفیت، چگونگی و لزوم رعایت سلسله مراتب هنجارهای حقوقی در نظام حقوقی ایران شفافیت زیادی ندارد و علت آن را باید در سکوت و اجمال، همچنین قواعد حقوقی تازه‌ای یافت

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

که در نظام حقوقی ایران وضع می‌شود (زادعیسی، ۱۳۸۸: ۱۲). عدم شفافیت‌ها، تردید و ابهام زمانی قوت می‌گیرد که رویه عملی نهادهای حکومتی و دولتی با اصطلاحاتی همچون سیاست‌گذاری، خط‌مشی دولت، تصمیمات، مصالح، مصوبات شورای سران سه قوه و نظایر آن مخلوط شده و باعث ایجاد رویه یا هنجارهایی می‌شود که حتی مشخص نیست جنس و ماهیت آنها چیست و در کجای سلسله مراتب هنجاری در نظام حقوقی ما قرار گرفته‌اند. مصوبات سران سه قوه، مصوبات ابداعی مجمع تشخیص مصلحت نظام و منشور حقوق شهروندی از این دسته هنجارها یا اسناد به شمار می‌رود که قصد در مقاله حاضر، پرداختن به این اختلافات علمی و حقوقی نیست.

همچنین باید متوجه بود علاوه بر ابهام در جایگاه منشور حقوق شهروندی در سلسله مراتب حقوقی کشور، برخی نویسندگان معتقدند چون ماهیت این سند مشخص نیست که آیا همردیف قانون اساسی یا گونه‌ای متمم آن، مصوبه هیات وزیران، اعلام خط‌مشی دولت یا از جنس و ماهیت دیگری از جمله تفسیر قانون یا تصویب‌نامه یا بخشنامه دولتی است (سلیمی، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۳)؛ پس به‌ناچار تأثیرگذاری و ضمانت اجراهای آن هم در عرصه‌های مختلف حقوقی متفاوت است. عده‌ای اعتقاد دارند در کشور ما به دلیل ساختار هنجارهای حقوقی مشخص شده، همچنین تدوین فصل سوم قانون اساسی به عنوان حقوق ملت؛ منشور حقوق شهروندی به عنوان یک سند مجزا، جایگاه تعریف شده‌ای در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی کشور ندارد و بیشتر؛ جنس و ماهیت آن، همان است که در بطن منشور از آن یاد شده است؛ یعنی اعلام «برنامه خط‌مشی دولت» مطابق اختیارات ریاست‌جمهور در اصل ۱۱۳ قانون اساسی (سلیمی، ۱۳۹۵، ۲۱)؛ از این‌رو، منشور را باید بیان مجموعه‌ای از مهم‌ترین حقوق شهروندی دانست که دولت تلاشی جدی برای اجرای آنها دارد.

البته در متن منشور نیز به این مهم اشاراتی رفته است. از جمله در بند ۱-۶ پیش‌نویس منشور آمده: «این منشور «برنامه و خط‌مشی» دولت است و... صرفا بیان مجموعه‌ای از مهم‌ترین حقوق شهروندی است... دولت با توجه به مفاد این منشور از طریق پیگیری خط‌مشی و برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی... تلاشی جدی و فراگیر ... خواهد داشت. در مقدمه متن نهایی نیز در ۲جمله به «خط‌مشی و برنامه‌ای بودن» منشور حقوق شهروندی تاکید شده است که شکی باقی نمی‌گذارد نگاه نویسندگان و تصویب‌کننده این متن، اعلام خط‌مشی دولت دربارۀ حقوق مصرح در متن منشور است».

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

به نظر می‌رسد برخوردی این‌چنینی با منشور حقوق شهروندان و فروکاستن آن در حد یک برنامه دولتی، کاستن از شأن و اعتبار شهروندان یک کشور در نزد خود، قوای حاکم و جامعه بین‌المللی است.

نظر دوم می‌گوید: اگرچه منشور حقوق شهروندی حاوی موادی است که ریشه در قانون اساسی دارند و حتی برخی مواد آن تکراری هستند؛ ولی باز هم یک گام روبه جلو محسوب می‌شود و قابل تقدیر است (داداندیش و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷۶). این دسته می‌گویند: اصول حقوق شهروندی ایجاب می‌کند تا نظام اداری بر اساس رعایت حقوق یک شهروند پایه‌گذاری شده و حقوق شهروندی به عنوان رکن اصلی برآورده شدن آرمان‌های یک جامعه، نیاز به توجه قانون‌گذار و گنجاندن آن در نظام اداری کشور دارد (سلیمی، ۱۳۹۶: ۸۲).

از دیدگاه این نویسندگان، تا زمانی که منشور به صورت قانون در نیاید؛ نتیجه عملی و بیرونی ندارد و فقط توقع مردم را افزایش داده است؛ اما در واقع فایده اجرایی ندارد؛ درحالی که تصویب قانون مربوط به حقوق شهروندی می‌تواند حقوق شهروندان را کاملاً مشخص کند.

۲-۲. تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری

تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری که پس از منشور تهیه، تدوین و تقدیم شد؛ در واقع برداشتی اداری از متن سند منشور حقوق شهروندی است که به طور اخص به مطالبات شهروندان در نظام اداری و سطح همه دستگاه‌های اجرایی پرداخته است. هدف اصلی این مصوبه، «رفع تبعیض و ایجاد نظام اداری پاسخگو و کارآمد با هدف بهبود و ارتقای سطح حقوق شهروندی، بهره‌مندی شهروندان از ظرفیت‌های ایجاد شده، تسهیل در تحقق اهداف سیاست‌های کلی نظام اداری و ارتقای حقوق شهروندی مصرح در منشور حقوق شهروندی» عنوان شده است. شورای عالی اداری، این تصویب‌نامه را در ۱۹ ماده و در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۸ به شماره ۱۱۲۷۱۲۸ تصویب نمود و توسط رئیس‌جمهور به عنوان رئیس شورای عالی اداری ابلاغ شد.

عمده‌ترین حقوق شهروندی مصرح در تصویب‌نامه فوق به صیانت از حقوق شهروندان در نظام اداری از جهت عدم‌تبعیض، اصلاح نظام اداری، کرامت مراجعان، حقوق ارباب‌رجوع در جنبه‌های مختلف از قبیل: حق دانستن و دسترسی به اطلاعات آزاد، پاسخگویی، شفافیت و غیره برمی‌گردد.

این تصویب‌نامه، دایره شمول را مشخص کرده و همچنین علاوه بر راهکارها و ضمانت اجراهای مختلف اداری، حسب ماده ۱۹ به صراحت تحت عنوان «ضمانت اجرا» در مورد نقض یا

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

عدم رعایت حقوق و الزامات مندرج در این مصوبه و حتی دستورالعمل‌های آن، اقدام حسب ماده ۲۰ از آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دولت (میرحسینی، ۱۳۷۸: ۲۸۹) را دستور داده است.

۳- ضمانت اجراهای اداری و انتظامی منشور حقوق شهروندی

ضمانت اجرا قسمتی از قدرت عمومی است که به ضرورت عکس‌العمل علیه ناقض قانون جلوه می‌کند. (لنگرودی، ۱۳۸۷: ۸۵) به عبارتی، ابزاری است که اجرای موثر قواعد حقوقی را تضمین می‌کند و از طرف قوای عمومی در جامعه، علیه متخلفان به‌کار گرفته می‌شود. ضمانت اجرا، وجه امتیاز حقوق از سایر قواعد اجتماعی است و اثری است که در نتیجهٔ مخالفت با قانون دامن‌گیر شخص می‌شود (راسخ، ۱۳۸۸: ۵۲).

ضمانت اجرا یکی از ویژگی‌های حقوق است و همین صفت، قاعدهٔ حقوقی را از سایر قواعد اجتماعی، مانند اخلاق و مذهب ممتاز می‌سازد (حیاتی، ۱۳۹۶: ۱۳). عده‌ای نیز معتقدند باید بین مفهوم «ضمانت اجرا» و «تضمین»حقوق تفاوت قائل شد. به گفته آنان، ضمانت اجرا، واکنش حقوقی نسبت به نقض و عدم رعایت موارد حقوقی و قانونی است (Drapper, 1982: 323)؛ ولی «تضمین»، به معنی ابزارها و جریان‌های شناخته‌شده اجرایی و حقوقی است که به منظور نظارت رعایت آن، حقوق طراحی شده و نقش پیشگیرانه دربارهٔ نقض موارد حقوقی دارند (بی‌پروا، ۱۳۹۷: ۹۰). در عالم حقوق، ضمانت اجرا انواع مختلفی اعم از کیفری، انضباطی، مدنی، اداری و انتظامی دارد.

۳-۱. ضمانت اجرای اداری و انتظامی

هنگامی که صحبت از ضمانت اجراهای اداری در این مقاله می‌شود؛ منظور، آن بخش از ضمانت اجراهایی است که ماهیتشان، ایجادکننده نظام مقابله با تخلفات اداری (درویشی و زینالی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۶) است؛ یعنی سازوکاری که انجام اعمال حقوقی از جنس حقوق اداری را به افراد ملزم می‌کند.

همچنین می‌توان این‌طور در نظر داشت که در تلقی عام، ضمانت اجرای انتظامی نیز بخش و جزئی از ضمانت اجرای اداری در نظر گرفته می‌شود؛ ولی منظور ما در این مقاله، تلقی خاصی از ضمانت اجراهای اداری و انتظامی است که آن دو را از یکدیگر مجزا می‌کند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

در این تعریف، اعمال اداری مورد نظر در این بخش، اعمال حقوقی یک‌جانبه عامی هستند که غیرشخصی تلقی می‌شوند و مانند آیین‌نامه و بخشنامه اداری به وسیله مقامات اداری وضع می‌شود. عام به این معنی که حکم آنها شامل همه افراد یا گروهی از افراد است و همه آنها در نظر قانون برابرند؛ غیرشخصی هم به این معنی است که آن حکم ناظر بر وضع حقوقی معینی است، نه شخص معین؛ به عبارت دیگر، حکم مزبور شامل یک وضع حقوقی یعنی یک رابطه حقوقی بین گروهی از افراد است؛ به‌گونه‌ای که هرکس در آن قالب قرار بگیرد؛ مشمول آن شناخته می‌شود (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۱: ۳۱۴)؛ باید به وجه تمایز ضمانت اجرای انتظامی از اداری هم اشاره شود. وجه تمایز آن از ضمانت اجرای اداری این است که ضمانت اجرای انتظامی با وجودی که توسط مقامات اداری و در چارچوب روندی اداری صورت می‌پذیرد، ولی حکم عام ندارد و دارای حکم خاص برای کارمند (فرد اداری) است که ضمانت اجراهای اداری را نادیده گرفته و آنها را نقض کرده است.

همچنین باید توجه داشت بخشی از ضمانت اجراها در حقوق اداری، ضمانت‌های اجرای انضباطی تلقی می‌شوند که مانند برخی احکام مربوط به کمیسیون‌های ماده ۷۷ و ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها، بیشتر دارای ماهیت انضباطی هستند (درویشی و زینالی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۶) که مدنظر این مقاله نیست.

ضمانت اجراهای اداری در ارتباط با منشور حقوق شهروندی مدنظر است. در واقع همانند مجازات‌های کیفری، ضمانت اجراهای اداری برای اجرای یک مصوبه بالاتر پیش‌بینی شده‌اند؛ مانند ضمانت اجراهای کیفری که در قوانین عادی برای اجرای احکام کیفری مندرج در قانون اساسی پیش‌بینی می‌شوند. در نهایت، ضمانت اجراهای کیفری نیز هرگاه قرار است برای عدم اجرای احکام قانون، به‌کار گرفته شوند؛ توسط یک تصمیم قضایی قابلیت اجرایی می‌یابند و در اصل، تضمین‌کنندهٔ برقراری عدالت قضایی در میان جامعه هستند. بر همین قیاس، ضمانت اجراهای اداری؛ پیش‌بینی‌کنندهٔ ساختار یک عکس‌العمل اداری یک جانبه در مقابل تخلف از قواعد، نظم و انتظامات اداری هستند که در نهایت، توسط ضمانت اجراهای انتظامی، در مقابل فرد خاطی، قابلیت اجرایی می‌یابند و تضمین‌کنندهٔ برقراری عدالت اداری در یک جامعه شمرده می‌شوند؛ از این‌رو، زمانی می‌توان از اجرای عدالت در قالب و چارچوب چنین ضمانت‌های اجرای اداری صحبت کرد که ضمانت اجراهای کافی وجود داشته باشد تا حمایت مناسب و قانونمندی از حقوق قانونی شهروندان انجام گیرد (درویشی و زینالی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۷).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

٤- ضمانت اجراهای پیشگیرانه و پسینی

برای درک بهتر ضمانت اجراهای اداری و انتظامی منشور حقوق شهروندی می‌توان با توجه به اصول تضمینی منشور، در دو بخش ضمانت‌های اجرای پیشگیرانه یا (بازدارنده) و پسینی یا (تعقیبی)، آنها را تقسیم و بررسی کنیم. ضمانت اجراهای اداری یاد شده در این بخش، خود دو گروه هستند. ضمانت‌هایی که از قواعد عام حقوق عمومی و اداری تبعیت می‌کنند که آنها نیز بخشی از اصول حقوق عمومی و اداری هستند و ضمانت‌های اجرای خاص منشور حقوق شهروندی که در اسناد دوگانه این حقوق (سند منشور حقوق شهروندی و مصوبه شورای عالی اداری) از آنها یاد شده است.

از جمله مهم‌ترین اصول حقوق اداری همانا اصل حاکمیت قانون است و ضمانت اجراهای اداری و انتظامی پیشگیرانه بیشتر از طریق حضور مدیران، نظارت‌های ارشادی، آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی به ظهور می‌رسند (رضایی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۲۹). در این موارد، ضمانت اجراهای اداری مقرر برای این است که از قواعد حقوق شهروندی تخلفی صورت نگیرد و بازدارندگی و پیشگیری، حرف اول را می‌زند؛ اما ضمانت اجراهای پسینی یا تعقیبی، منوط به شرایطی است که یکی از مفاد منشور حقوق شهروندی نقض شده و باید همانند یک تخلف با فرد متخلف برخورد کرد و شهروند را مورد حمایت قرار داد.

٤-١. مهم‌ترین ضمانت اجراهای اداری پیشگیرانه در منشور حقوق شهروندی

وقتی می‌توان به اثربخشی منشور حقوق شهروندی در نظام اداری کشور امیدوار بود که ضمانت اجراهای اداری آن بر اساس اصول حقوق اداری بیان شده باشد؛ یعنی اصول حقوق اداری و نظام حقوقی ادارات از حقوق شهروندی پشتیبانی کند. مهم‌ترین اصول حقوق اداری که به عنوان ضمانت اجراهای پیشگیرانه دربارهٔ مفاد منشور حقوق شهروندی قابل بیان است، عبارتند از: اصل حاکمیت قانون، اصل تداوم خدمات عمومی و اداری، اصل پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری و اصل نظارت.

این اصول، هنجارهای ارزشمندی هستند که در کشورهای توسعه یافته شناسایی شده و در جهت حفظ حقوق شهروندی به کار بسته می‌شوند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

۱-۱-٤. اصل حاکمیت قانون

توسل به مفهوم قانون به مثابه ابزاری جهت کنترل قدرت حکومت، از عصر فیلسوفان یونان باستان مورد توجه قرار گرفته است و در واقع، سرکشی ذاتی قدرتمندان و تصدی و تجاوز به حقوق بنیادین بشر در احراز جایگاه رفیع قانون نقشی بسزا داشته است. (مرکز مالمیری، ۱۳۸۵؛ ۲۲)؛ از این‌رو، می‌توان گفت اصل حاکمیت قانون، سرمنشأ مشترکی برای حقوق بشر که در شکل مدرن خود تبدیل به حقوق شهروندی شده است و حقوق اداری تلقی می‌شود. باید درنظر داشت حاکمیت قانون، ریشه در مفهوم دموکراسی دارد و از اصول بلامنازع حقوق عمومی است که می‌گوید: رفتار زمامداران و مأمورین دولتی باید مبتنی بر سلسله اصول و موازین قانونی بوده و سلایق شخصی افراد، معیار اداره امور نباشد (امامی و استوار سنگری؛ ۱۳۹۷: ۴۵). بر این اساس، کلیه اعمال حقوقی، چه آنهایی که به‌صورت عام و به‌شکل قواعد وضع می‌شوند و چه آنهایی که به‌صورت خاص و موردی و به‌صورت احکام صادر می‌شوند؛ باید منطبق بر قانون باشد؛ بنابراین، حاکمیت قانون در چنین فضایی به عنوان مفهومی بنیادین در ادبیات حقوقی و سیاسی مطرح می‌شود و بدون تردید از اصول مهم در تضمین حقوق شهروندی است (مالمیری، ۱۳۸۵: ۲۲).

بر اساس اصل حاکمیت قانون، مقامات اداری مکلفند در اقدامات و تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند، قوانین و مقررات را رعایت کنند؛ خواه اعمالی که انجام می‌دهند ناظر به شخص یا اشخاص معینی باشد و خواه، ناظر به عموم باشد و چنانچه خلاف قانون عمل شده؛ یا از اختیارات قانونی سوءاستفاده شود؛ افراد می‌توانند با مراجعه به مراجع قضایی صلاحیت‌دار از تخلف و تجاوز دستگاه‌ها جلوگیری کنند(طباطبائی موتمنی، ۱۳۹۱: ۴۵۳)؛ از این‌رو اینجاست که اصل بنیادین حقوقی حاکمیت قانون می‌تواند به عنوان یکی از ضمانت اجراهای اداری پیشگیرانه دربارۀ منشور حقوق شهروندی مطرح شود.

براین اساس، تابع قانون قراردادن دستگاه‌ها و سازمان‌های عمومی، زاییده افکار آزادی‌طلبی است که حکم می‌کند افراد در مقابل دولت تامین داشته باشند و ماموران و مقامات اداری نتوانند حقوق و آزادی‌های افراد را تضییع کنند. (طباطبائی موتمنی، ۱۳۹۱: ۴۵۳)؛ بنابراین از آن‌جایی که حقوق و آزادی‌های مطرح شده در منشور حقوق شهروندی، از اصلی‌ترین حقوق بنیادین شهروندان به‌شمار می‌رود؛ اصل حاکمیت قانون می‌تواند به عنوان بنا و بنیاد ضمانت اجرایی پیشگیرانۀ اداری برای رعایت این حقوق و آزادی‌ها توسط سازمان اداری از طریق اعمال اداری به‌شمار رود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

۲-۱-٤. اصل تداوم خدمات عمومی و اداری

این اصل در موضوعاتی که برای تدوام جماعات انسانی ضرورت دارد نظیر: امنیت، خدمات بهداشتی، نظم، آموزش و... اهمیت دارد. خدمات عمومی در راستای برآوردن نیازهای همگانی است. هدف عمده خدمات عمومی، نفع عمومی و فلسفه وجودی دولت نیز تأمین منافع عمومی و ارائه خدمات عمومی است. بر اساس این اصل، خدمات عمومی و اداری جهت ضرورت پاسخ‌گویی مداوم به نیازهای عمومی، تعطیل‌بردار نیست. این اصل، تکلیفی را برای مقامات عمومی و اداری ایجاد می‌کند که به موجب آن باید تداوم خدمات اداری به نحو مناسبی تضمین شود (هداوند و مشهدی، ۱۳۸۹: ۲۰۲).

این اصل در بسیاری از کشورها به عنوان ارزش اساسی حاکم بر حقوق اداری مطرح شده است و خود اصول مهم دیگری را به عنوان زیر مجموعه دربرمی‌گیرد. به عبارتی، اصل تداوم خدمات عمومی و اداری متضمن رعایت اصول زیر است:

۱- برابری (تساوی) و بی‌طرفی در برابر خدمات عمومی

۲- استمرار یا ثبات خدمات عمومی

۳- سازگاری یا انطباق خدمات عمومی

۴- تقدّم خدمات عمومی

۵- رایگان بودن خدمات عمومی. (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۶۲)

همان‌طور که مشاهده می‌شود؛ اصل تداوم خدمات عمومی و اداری نیز می‌تواند به عنوان یکی از ضمانت اجراهای پیشگیرانه در راستای احقاق حقوق شهروندی شهروندان مطرح شود که در منشور حقوق شهروندی مورد توجه قرار گرفته است.

به عنوان مثال، زمانی که از حقوق سلامت شهروندان در منشور حقوق شهروندی یاد می‌شود؛ اصل تداوم خدمات عمومی و اداری اقتضا می‌کند خدمات سلامت قابل ارائه به شهروندان، تداوم داشته باشد و هر شهروندی در صورت نیاز به این خدمات، دسترسی به آن را داشته باشد. این چنین است که اصل تداوم خدمات عمومی و اداری، پشتیبان و یاری‌رسان اجرای حقوق شهروندی مصرح در منشور از سوی دولت تلقی می‌شود. پشتیبانی که به صورت پیشینی، برای دولت، به عنوان منشا خدمات اداری و عمومی، ایجاد تکلیف می‌کند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

۳-۱-٤. اصل نظارت

اصل نظارت دستگاه‌های اداری از ضمانت اجراهای بسیار مهم حقوق عمومی است. این مساله همواره مورد توجه مردان سیاست، حقوق‌دانان و دست‌اندرکاران امور عمومی بوده است؛ زیرا کیفیت اداره سازمان‌های عمومی، انعکاس مستقیمی در سیاست دارد، هم چنانکه سیاست نیز در اداره امور موثر است. (شوالیه، ۱۳۷۸: ۵۱۴)

بدین‌ترتیب می‌توان دریافت اصل نظارت و کنترل در بسیاری از نظام‌های حقوقی به عنوان هسته مرکزی حقوق اداری قلمداد شده و رکن تعریف حقوق اداری به حساب می‌آید. مثلا حقوق اداری را قواعد کنترل عملکرد دولت به نفع شهروندان تعریف می‌کنند. (Ginsburg, 2008, p3)

کنترل اداره باید طوری انجام شود که بتوان به‌آسانی، اعمال و فعالیت‌های اداره را با قوانین، روش‌ها و خط‌مشی‌هایی که از طرف هیأت حاکمه و قدرت سیاسی وضع شده است، مطابقت داد و از صحت اجرای آنها اطمینان حاصل کرد.

بنابراین، اهمیت نظارت در دولت مدرن، به مراتب بیشتر از دولت‌های پیشامدرن است. این را هم باید در نظر داشت در دولت‌های امروزی، اصل نظارت به عنوان یک اصل پیشینی برای ضمانت اجرای مهم در حقوق اداری از آن‌رو دارای اهمیت مضاعف شده است که تئوری‌های اداره، تغییرات زیادی به خود دیده و از سیستم سخت صلاحیت‌محوری و سلسله‌مراتبی و تمرکز به سمت محوریت صلاحیت اختیاری، عدم تمرکز، ایجاد واحدهایی به نسبت مستقل از مرکز و با صلاحیتهای زیاد تصمیم‌گیری در یک حوزه تخصصی، تغییر سیاست داده است (Bignami, 2010, 860). در منشور حقوق شهروندی که متضمن حقوق گسترده بنیادین و ماهوی برای آحاد شهروندان است؛ اصل نظارت، امکانی را برقرار می‌سازد که به عنوان ضمانت اجرایی پیشینی اداری برای ایفای تعهدات ادارات در مقابل حقوق شهروندان مصرح در این سند، به آن بنگریم.

نظارت و کنترل در سازمان‌های اداری لازم است؛ چون آزادی مطلق موجب هرج و مرج می‌شود و چنانچه نظارتی نباشد؛ نه تنها مبادی فساد باز شده و سوءاستفاده‌کنندگان به‌راحتی و فارغ از چشمان نظارتی به تخلف مبادرت می‌ورزند؛ بلکه بسیار احتمال دارد منافع ملی جامعه را نیز قربانی اهداف شخصی خود نمایند (راسخ، ۱۵:۱۳۸۸).

اصل نظارت یک ضمانت اجرای حقوقی محکم برای رعایت منشور حقوق شهروندی در نظام اداری کشور ماست که شامل نظارت قضایی، پارلمانی و اداری است. در نظارت اداری، نظارت مقامات اداری مافوق بر مأموران مادون از طریق سلسله مراتب اداری وجود دارد و مقامات

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

سازمان‌های اداری بر اعمال و رفتار کارکنان زیردست نظارت کرده، رعایت قوانین توسط آنها را کنترل می‌کنند. ابزارهای این نوع نظارت به‌قدری تأثیرگذار است که حتی می‌توان مأموران مادون را به ابطال یا اصلاح تصمیمات اداری مغایر قانون مجبور کرد. علاوه بر این، وجود نهادهای بازرسی داخلی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان خدمات دولتی را نیز می‌توان از ابزارها و ضمانت اجراهای انتظامی که متعاقب نظارت اداری بر ادارات وارد می‌شو،د تلقی کرد.

٤-١-٤. اصل پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری

دولت‌ها از آنجا که به عنوان نمایندگان مردم خدمت می‌کنند؛ موظفند دربارۀ تصمیمات و اقدامات خود به شهروندان توضیح کافی بدهند. به نظر می‌رسد عنصری که پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری دولت‌ها را به همراه خواهد داشت؛ وجه دموکراتیک بودن حکومت‌ها است. حکومتی که مردمی، دموکراتیک و برخاسته از آرا و نظرهای مردم باشد، پاسخ‌گو و مسئولیت‌پذیر نیز خواهد بود.

از این دیدگاه، نتیجه طبیعی پذیرش مسئولیت عمومی و در اختیار گرفتن قدرت در نظام‌های سیاسی مدرن، پاسخ‌گویی کارگزاران اداره امور عمومی است. هر یک از مقامات و نهادهای حکومتی بایستی در برابر یک یا چند مقام و نهاد دیگر از جمله در برابر نمایندگان مردم، پاسخ‌گوی تصمیمات و اقدامات خود باشند (بالوی و بیات کمیتکی، ۱۳۹۶: ۴۰۳)؛ بدین‌وسیله احتمال تجاوز از اختیارات قانونی پایین آمده و زمینه دستیابی به اهداف مورد نظر دولت فراهم خواهد شد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود؛ پاسخ‌گویی مقام اداری در مقابل اجرا یا عدم اجرای تکالیف وی در منشور حقوق شهروندی، یک امر حیاتی پیشگیرانه برای ضمانت اجرای اداری منشور حقوق شهروندی است.

البته باید در نظر داشت هر اندازه در دولتی قدرت بیشتر و پاسخ‌گویی و مسئولیت کمتر باشد؛ کارآیی و اثربخشی آن کمتر خواهد بود و این دولت ویژگی پاسخ‌گویی را نخواهد داشت. به بیان دیگر ، درست به تعداد انواع نظارت و متناظر و متناسب با آن، اقسام پاسخ‌گویی وجود دارد و مقام یا نهاد تحت نظارت، موظف به پاسخ‌گویی به آن مقام ناظر است (Habibnejad & others, 2016, 57).

پاسخ‌گویی یکی از مبانی مهم موضوع ماهیت ضمانت اجراهای اداری است. یکی از تخلفات مهم کارگزاران و کارمندان اداری، عدم پاسخ‌گویی به شهروندان است و همین امر، زمینه‌ساز مجازات مقامات و کارکنان دولتی را فراهم می‌نماید که در نظام حقوق اداری به این مجازات‌ها، ضمانت اجراهای انتظامی می‌گوییم. به عبارت بهتر، همان‌طور که در ادامه راجع به اقسام و انواع تخلفات اداری خواهد آمد؛ عمده تخلفات اداری کارمندان دولت در مواجهه با شهروندان، مربوط

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

به عدم پاسخ‌گویی مناسب، شایسته، معقول، به‌هنگام و سریع است. به عبارت بهتر، هرگاه میزان پاسخ‌گویی شهروندان به حداقل ممکن خود برسد؛ ضمانت اجراهای انتظامی بیشتر نمود و عینیت پیدا می‌کند.

اصولاً بحث ضمانت اجراهای انتظامی زمانی مطرح می‌شود که قانون توسط ارکان اجرایی سازمان‌ها و تشکیلات اداری یعنی کارگزاران اداری نقض و نادیده گرفته شود.

۲-٤ . سایر اقدامات و ضمانت اجراهای پیشگیرانه

همان‌طور که گفته شد، ضمانت اجرا در یک نظام حقوقی مزایای زیادی دارد از جمله اینکه: ضمانت اجرای اداری، تضمین بخش عدالت اداری در جامعه است. با توجه به اینکه در بخش پایانی منشور حقوق شهروندی بیان شده است: «رئیس‌جمهور برای نظارت، هماهنگی و پیگیری اجرای مناسب تعهدات دولت در این منشور، دستیار ویژه‌ای را تعیین می‌نماید. پیشنهاد برنامه و خط‌مشی مربوط به اجرای کامل منشور حقوق شهروندی از جمله مسئولیت‌های دستیار ویژه است[۱].» به نظر می‌رسد تضمین اجرایی مناسب اداری از جهت تعیین مقام مسئول و پاسخگو پیش‌بینی شده است. از طرفی، ضمانت اجراهای پیشینی، نقش بازدارندگی دارند و به اشکال مختلف از طریق مدیران محقق می‌شوند تا از ابتدا زمینه نقض حقوق شهروندی ایجاد نشود. بارزترین اقدامات پیشگیرانه به شرح زیر است:

۱-۲-٤. دسترسی آسان و سریع به خدمات اداری

مردم‌سالاری به‌مشارکت در انتخابات و رأی دادن محدود نمی‌شود. باید در همه ابعاد مردم‌سالار باشیم؛ از جمله در نظام اداری ترتیبی اتخاذ گردد تا مردم نه‌تنها از تصمیمات و فرآیندهای اداری آگاه باشند؛ بلکه امکان دسترسی آسان و سریع به خدمات اداری فراهم باشد. «مردم حق دارند شخصاً یا از طریق نماینده قانونی خود به خدمات دستگاه‌های اجرایی، دسترسی آسان و سریع داشته باشند....»[۲] «بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و مکاتبات اداری در دستگاه‌های اجرایی باید به‌گونه‌ای تنظیم و ابلاغ شوند که برای مردم ساده، شفاف و قابل دسترس باشند و از هر گونه

---

۱. ذیل ماده ۱۲۰ از منشور حقوق شهروندی تحت عنوان «سازو کار اجرا و نظارت بر حسن اجرای حقوق شهروندی»
۲. ماده ۶ از تصویب نامه حقوق شهروندی در نظام اداری.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

تبعیض در ابلاغ و اجرای بخشنامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها، تصمیمات و دستورات اداری نسبت به مردم اجتناب شود...».[۱]

۲-۲-٤. نظارت‌های ارشادی در پیشگیری از نقض حقوق شهروندی

یکی دیگر از مهم‌ترین ابزارهایی که تضمین‌کنندهٔ اجرای قواعد حقوق شهروندی است، نظارت ارشادی است. دولت باید کوشش کند تا در زیرمجموعه‌های خودش، نظارت درست را اعمال کند. دولت باید پاسداشت و پاسداری از حقوق شهروندی را از خود شروع کند. در این‌باره، سازوکارهایی هم در متن منشور و تصویب‌نامه پیش‌بینی شده است.

نظارت‌های ارشادی در واقع احیای فریضه «امر به‌معروف و نهی از منکر» است که در اصل هشتم قانون اساسی به آن تاکید شده و در ماده ۸ قانون حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکر در ادارات و سازمان‌های دولتی بدان به صورت یک تکلیف و اختیار قانونی عموم شهروندان نگریسته شده است. همکاری در اجرای منشور حقوق شهروندی توسط مردم، از جملهٔ این نظارت‌هاست که به ایجاد حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تقویت روحیه خودکنترلی برای پیشگیری از هرگونه تضییع حقوق شهروندان می‌انجامد.

نظارت ارشادی از طریق مراجعان و مدیران اداری در حقیقت بهترین تضمین پیشگیرانه است. درتمامی دستگاه‌های اجرایی، بالاترین مقام ارشد سازمان، مسئول اجرای منشور است و باید در خصوص آن پاسخگو باشد؛ از این‌رو سازمان اداری و استخدامی به‌صورت دوره‌ای از وزیران و استانداران گزارش می‌گیرد؛ چرا که باید نحوهٔ اجرا را تقدیم رئیس‌جمهوری و هیأت وزیران کند.

در همهٔ استانداری‌های سراسر کشور، مدیران کل اجتماعی؛ مسئول پیگیری و نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های حقوق شهروندی هستند و در همه ادارات، یک کارگروه حقوق شهروندی تشکیل می‌شود و دبیر کارگروه، ضمن برگزاری جلسات منظم، ارتباط لازم را با استانداری دارد.

در تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری پیش‌بینی شده است که بین سازمان امور اداری و استخدامی و وزارت کشور توافقنامه‌ای امضا و بر آن اساس، اجرای تصویب‌نامه‌ها از سطح نظارت رسمی فراتر رفته و از نهادهای جامعه مدنی هم برای نظارت بر اجرای مصوبه حقوق شهروندی کمک گرفته شود؛ بدین‌صورت که در هر استان، کارگروهی تشکیل شود و بر عملکرد دستگاه‌های استانی و نحوهٔ اجرای تصویب‌نامه در زمینهٔ رعایت حقوق مردم رصد و پایش کنند.

---

۱. ماده ۴ تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

۳-٤ . ضمانت اجراهای پسینی یا تعقیبی

مرحله بعدی پس از نظارت اجرای اداری در ادارات، ضمانت اجراهای انتظامی است که همگی این ضمانت‌های اجرا به صورت پسینی واقع می‌شوند. به این صورت که اگر همهٔ ضمانت‌های اجرای پیشینی و اداری منجر به حصول نتیجه مطلوب نشد؛ ضمانت‌های اجرای انتظامی معنا پیدا می‌کنند تا متخلف؛ شناسایی، ادله؛ جمع‌آوری و رسیدگی بعدی جهت مجازات انتظامی انجام شود که در اینجا به بررسی آن می‌پردازیم:

۱-۳-٤. رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان از سوی مدیران

از عناصر کلیدی سازمان‌های اداری، کارکنان هستند که وظیفهٔ اجرای امور عمومی را برعهده دارند و صحت عملکرد آن‌ها در تحقق وظایف اداری مهم است. در میان کارکنان دستگاه‌های اداری، گروهی هستند که وظیفهٔ خطیر مدیریت را بر عهده دارند. مدیران درکنار وظایفی نظیر: برنامه‌ریزی، سازماندهی و...، وظیفه مهم نظارت و کنترل را هم برعهده دارند (الوانی، ۱۳۷۳: ۱۷). از جلوه‌های مهم نظارتی مدیران، نظارت بر عملکرد کارکنان تحت امر است. این نظارت از جمله وظایفی است که با انجام صحیح و به‌موقع آن می‌تواند نقش قابل توجهی در سلامت اداره و تحقق مناسب امور عمومی ایفا کند. از طرفی، قانون‌گذار هم اختیاراتی برای ایفای نظارت مؤثر مدیران مقرر کرده است (میرزاده، ۲۳۱:۱۳۹۶) .

تبصره ۱ ماده ۹۱ قانون مدیریت خدمات کشوری بر نظارت مستقیم مدیران از طریق بازرسی‌های مستمر داخلی به وسیله بازرسان معتمد داخلی بر کارکنان خود برای جلوگیری از تخلف تاکید دارد و ماده ۹۲ همان قانون درخصوص مسئولیت عام مدیران در نظارت بر عملکرد مادون است. با این وصف، چنانچه تخلفی را کشف کنند؛ موظف به اعلام و گزارش تخلف هستند. سهل‌انگاری در انجام این وظیفه، تخلف اداری و قابل تعقیب است. قانون‌گذار پس از پیش‌بینی امکان اعمال برخی مجازات‌های اداری درخصوص برخی تخلفات، در صورت تکرار تخلف، مدیران مزبور را مکلف به اعلام تخلف به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کرده است. (همان: ۲۳۳).

برخی مدیران در رسیدگی به تخلفات اداری نقش مستقیمی ایفا می‌کنند. رئیس مجلس شورای اسلامی، وزیران، و بالاترین مقام اجرایی سازمان‌های مستقل دولتی و شهردار تهران می‌توانند برخی از مجازات‌های موضوع ماده ۹ قانون مزبور را رأساً و بدون مراجعه به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در مورد کارمندان متخلف اعمال کنند (میرزاده، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

۲-۳-٤ . ضمانت اجراهای انتظامی از طریق هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری

در اینجا صحبت از پیشگیری نیست؛ بلکه با حالتی مواجه هستیم که مفاد منشورحقوق شهروندی نقض شده و نیاز به برخورد با فرد خاطی وجود دارد. در این راستا، تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری، ضمانت اجرای مؤثری را در مادۀ ۱۹ پیش‌بینی کرده است.

ماده ۸ از قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت در ۳۸ بند، تخلفات اداری را احصاء کرده است.

کارکنان اداری با ارتکاب موارد یاد شده به طور مستقیم و غیرمستقیم موجب نقض حقوق شهروندی می‌شوند.

واضح است که به دنبال شکایت به اتهام نقض حقوق شهروندی، پرونده امر باید به هیأت‌های رسیدگی‌کننده تخلفات اداری ارجاع شده و اعضای هیأت، حسب وظیفه قانونی خود با مطالعه پرونده، چنانچه آن را در شمار یکی از موارد تخلف بشناسند؛ به موضوع رسیدگی کرده، مجازات اداری را حسب ماده ۹ از همان قانون اعمال خواهند کرد که شدیدترین آنها، اخراج و انفصال دائم از خدمات دولتی است.

فرق اخراج با انفصال دائم این است که اخراج تنها از دستگاه متبوع کارمند است و فرد اخراج شده می‌تواند در دستگاه دیگری استخدام شود؛ اما انفصال دائم، ضمن اینکه سبب قطع رابطه استخدامی فرد با دستگاه متبوع وی می‌شود، محرومیت از استخدام مجدد در سایر دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری را هم به دنبال دارد. (صادقی‌مقدم و میرزاده، ۱۳۹۶: ۱۴۸)

در مجموع با توجه به ماده ۱۹ از تصویب‌نامه حقوق شهروندی که با نام «ضمانت اجراء» تصریح شده؛ باید گفت مؤثرترین ضمانت اجراهای تعقیبی برای نقض حقوق شهروندی در همین بخش مندرج است؛ مشروط بر اینکه اولاً، مردم آگاهی کافی برای دفاع از حقوق خود، مطالبه‌گری و عنداللزوم، طرح شکایت را داشته باشند؛ ثانیاً، زمینه رسیدگی واقعی فراهم باشد و علاوه بر اینکه مردم از رسیدگی بیطرفانه و نتیجه‌بخش اطمینان پیدا می‌کنند؛ برای متخلف نیز مجازات متناسب با رفتارش اعمال شود تا اثر بازدارندگی مقتضی برای خودش و دیگران داشته باشد. در نظارت‌های تعقیبی برای مردم و مراجعان ادارات بسیار مهم است که بدانند رسیدگی واقعی انجام می‌شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

۳-۳-٤ . رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان از سوی دفاتر بازرسی ادارات

بخش بازرسی در دستگاه‌های اجرایی، ضامن عملکرد صحیح و قانونی هر دستگاه است و محلی است تا مراجعان بتوانند بدون تشریفات قضائی، مشکلات احتمالی خود با کارکنان را درمیان گذاشته، تقاضای رسیدگی کنند. دفاتر بازرسی و مدیریت عملکرد، با رویکرد به‌سازی سیستم و عملکردها فعالیت می‌کنند تا نقاط قوت و ضعف هر مجموعه را تعیین کنند و مجاز به بازرسی کلی مجموعه شامل حوزه ستادی و زیرمجموعه‌های آن هستند.

این دفاتر به اقتضای وظایف و کارکرد ذاتی خود نسبت به وظایف و مسئولیت‌های سازمانی سایر بخش‌ها، دارای جایگاه فرابخشی هستند و حسب مورد، مطابق با دستورات بالاترین مقام دستگاه و برنامه‌های مصوب خود، موظفند چنانچه در مسیر بازرسی و تحقیقات خود، تخلفی را کشف کنند؛ گزارش موضوع را به بالاترین مقام دستگاه بدهند.

٤-۳-٤ . ضمانت اجرایی انتظامی از طریق رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان توسط سازمان بازرسی کل کشور

سازمان بازرسی کل کشور به عنوان یک سازمان وابسته به قوه قضائیه، نقش نظارتی بیرونی بر دستگاه‌های اجرایی دارد و در سه بخش بازرسی مستمر، موردی و فوق‌العاده فعالیت می‌کند.

مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، از وظایف اصلی قوۀ قضائیه، نظارت بر حسن اجرای قوانین است. نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم از وظایف دیوان عالی کشور و حق نظارت بر ادارات و دستگاه‌های غیرقضائی برعهدۀ سازمان بازرسی کشور است. براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری و در اجرای اصل ۱۷۴ قانون اساسی، «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود.

سازمان بازرسی کل کشور به‌طور مستقیم، مرجع رسیدگی و صدور حکم در تخلفات اداری نیست؛ بلکه ضمن بازرسی و تحقیقات خود چنانچه به مواردی برخورد کند؛ مراتب را حسب مورد به مقام اداری یا قضایی گزارش و از طریق دادسرای عمومی و متعاقباً دادگاه پیگیری خواهد کرد؛ بنابراین، علاوه بر اینکه نقش پیشگیرانه و ارشادی دارد؛ در مواردی، بازرسی‌های این نهاد منجر به تشکیل پرونده و نظارت تعقیبی هم می‌شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

۵- نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های بنیادین است که در ایران، تبلور مصادیق متعدد آن را در سندی به نام منشور حقوق شهروندی می‌توان شناسایی کرد. حقوق شهروندی، دربردارندۀ حقوق و تکالیف متعدد و متقابل دولت در مقابل مردم است و منشور حقوق شهروندی با ادبیاتی شفاف و واضح سعی دارد مصادیق متعدد این حقوق و تکالیف را برای ساری و جاری شدن در روابط بین دولت و ملت بیان کند.

با وجودی که امروزه منشور حقوق شهروندی برای همگان شناخته شده است؛ ولی همچنان در ماهیت و جایگاه این سند در بین سایر اسناد و هنجارهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اختلاف است. گروهی آن را خط‌مشی دولت و عده‌ای، تعهد مکتوب رئیس‌جمهور به اجرای حقوق مصرح در قوانین مختلف از جمله قانون اساسی می‌دانند. با این حال، منشور حقوق شهروندی قالب خاص قانون یعنی مصوبه قوه قانون‌گذار را ندارد؛ ولی از آنجایی که تکالیف متعددی را برای دولت و کارکنان دولت وضع کرده است؛ ضمانت اجراهای اداری و انتظامی برای قواعد درون خود را هم پیش‌بینی نموده است. عمده‌ترین بخش مربوط به این ضمانت اجراها، بخش‌هایی است که اجرای محتویات منشور در نظام اداری و انتظامی را به صورت «رفتار بهنجار» اداری مطرح می‌کند و تخطی از هنجارهای اعلامی را متضمن به‌کارگیری ضمانت اجراهای اداری و انتظامی می‌داند. مصادیق مختلفی از ضمانت اجراهای اداری و انتظامی در منشور حقوق شهروندی و مصوبه مرتبط با آن از سوی شورای عالی اداری مورد تاکید قرار گرفته که برای جلوگیری از تضییع حقوق شهروندی یا اجرای بهینه و تحقق مفاد منشور پیش‌بینی شده است.

این ضمانت اجراها در دو بعد پیشگیرانه و پسینی یا تعقیبی، به صورت واضحی، عواقب عدم اجرای مفاد منشور را به کارکنان دولت گوشزد کرده و گیرندگان خدمات عمومی را به حقوق خود آگاه می‌سازد. در این راستا، نهادها و سازوکارهای مختلفی از جمله هدایت مدیران اداری، نظارت دفاتر بازرسی و نمایندگان بازرسی کل کشور در ادارات دولتی و حتی مشارکت ارباب‌رجوع ادارات در اجرای مفاد منشور حقوق شهروندی معرفی شده است که با جنبه اصلاحی و ارشادی از بسیاری تخلفات پیشگیری می‌کنند یا زمینه‌های ارتکاب تخلف را قبل از ارتکاب کشف و خنثی می‌کنند.

پشتیبان این ضمانت اجراها را می‌توان در قانون رسیدگی به تخلفات اداری جستجو کرد که متضمن کیفرهای انتظامی برای کارمندان بی‌توجه به مفاد منشور حقوق شهروندی است و برای

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

مجازات آنان، ضمانت اجراهای انتظامی مناسبی را در صورتهای مختلف، مدنظر قرار داده است تا اجرای مفاد منشور حقوق شهروندی با پشتیبانی قانون مصوب مجلس نیز تضمین شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

الف) کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها

۱- اکبری، حمیدرضا (۱۳۹۷)؛ نگاهی به حقوق شهروندی، تهران: نشر آفتاب

۲- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۸)؛ مدیریت عمومی، تهران: نشر نی

۳- امامی، محمد و استوارسنگری، کوروش (۱۳۹۷)، حقوق اداری؛ ج یک؛ چاپ چهارم؛ تهران: نشر میزان

۴- انصاری، ولی الله (۱۳۸۴)؛ کلیات حقوق اداری، تهران: نشرمیزان

۵- بالوی، مهدی و مهناز بیات کمیتکی (۱۳۹۶)؛ دولت حق بنیاد؛ ج اول، تهران: نشر مجد

۶- بی‌پروا، امیر (۱۳۹۷)؛ رسانه، حقوق بشر و شهروندی در عصر جهانی شدن، تهران: نشر میزان

۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)؛ مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: گنج دانش

۸- حیاتی، عباسعلی (۱۳۹۶)؛ مقدمه علم حقوق، چاپ سیزدهم، تهران: نشر میزان

۹- راسخ، محمد (۱۳۸۸)؛ نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران: انتشارات دراک

۱۰- رضایی‌زاده، محمدجواد (۱۳۸۵)؛ حقوق اداری (۱)، تهران: نشر میزان

۱۱- زادعیسی، زهرا (۱۳۸۸)؛ سلسله مراتب هنجارهای در نظم حقوقی ایران؛ پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

۱۲- ساعی ارسی، ایرج (۱۳۹۱)؛ آموزش مطالعات اجتماعی در دورهٔ ابتدایی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات بهمن برنا

۱۳- سلیمی‌بنی، امید (۱۳۹۷)؛ وضعیت حقوق بشر و شهروند در جمهوری اسلامی ایران، تهران: هوشمند تدبیر

۱۴- شوالیه، ژاک (۱۳۷۸)؛ دولت قانونمند، برگردان: حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشردادگستر

۱۵- صادقی‌مقدم، محمدحسن و نادر میرزاده کوهشاهی (۱۳۹۶)؛ آیین رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

۱۶- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۵)؛ بنیادهای علم سیاست، چاپ چهاردهم، تهران: نشر نی

۱۷- طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۹۱)؛ حقوق اداری، چاپ سیزدهم، تهران: نشرسمت

۱۸- فالکس، کیت (۱۳۸۱)؛ شهروندی، مترجم محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر

۱۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)؛ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظم حقوقی ایران، چاپ بیست و هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار

۲۰- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)؛ فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

۲۱- کریمی، عباس و کامیار ، غلامرضا (۱۳۹۶)؛ حقوق شهروندی در قلمرو شهرنشینی، تهران: نشر دادگستر
۲۲- محمودی، جواد (۱۳۹۰)؛ بررسی تحلیلی دادرسی اداری در حقوق ایران، تهران: انتشارات جنگل
۲۳- مرکز مالمیری، احمد (۱۳۸۵)؛ حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس
۲۴- میرحسینی، سیدحسن و عباسی، محمود (۱۳۷۸)؛ حقوق و تخلفات اداری، تهران: انتشارات حقوقی
۲۵- هداوند، مهدی و مشهدی، علی (۱۳۸۹)؛ اصول حقوق اداری (درپرتو آرای دیوان عدالت اداری)، تهران: انتشارات خرسندی.

ب) مقالات

۱. ترنر، برایان، اس (۱۳۸۶)؛ «مفهوم شهروندی»، ترجمه جواد کارگزاری، مجله حقوقی دادگستری؛ شماره ۵۸، صص ۱۷۲-۱۵۳
۲. بیرانوند، رضا و محمد آبید، سعید (۱۳۹۰) ، « نقش و تکالیف پلیس راهنمایی و رانندگی در رعایت حقوق شهروندی رانندگان»، فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک؛شماره ۲۱، صص ۵۲ -۳
۳. حسین‌آبادی، مصطفی و تقوایی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)؛ «آموزش شهروندی و رویکرد محله‌محور: نقش نهادها و ارکان محله‌ای در آموزش حقوق شهروندی»، مجله هنر و معماری؛ مسکن و محیط روستا؛ شماره، ۱۲۵، صص ۹۷-۸۸
۴. داداندیش، پروین، امینی احمدآباد، علی و کنعانیان، شهرزاد (۱۳۹۲)؛ «چالشهای تدوین منشور حقوق شهروندی در ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۸، پاییز صص۲۸۷-۲۵۵
۵. درویشی، بابک و زینالی، امیرعلی (۱۳۹۳)؛ «ماهیت ضمانت اجراهای اداری در نظام حقوقی ایران»؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، دوره ۷، شماره ۲۵، صص۷۴-۳۶
۶. سلیمی، علی (۱۳۹۶)؛ «بررسی اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری ایران»، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره سوم، شماره ۲۷، اسفند، صص ۸۳-۶۷
۷. سلیمی‌بنی، امید (۱۳۹۵)؛ جایگاه منشور حقوق شهروندی در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی ایران؛ مقالات کنفرانس بین‌المللی حقوق شهروندی، آبانماه، تهران: مرکز اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
۸. شریف، محمد (۱۳۸۱)؛ «تأملی در باب جایگاه شورای عالی اداری و مرتبه مصوبات آن»؛ نشریه علمی - ترویجی پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱،صص ۷۴-۵۹
۹. فلاح‌زاده، علی‌محمد (۱۳۸۶)؛ «نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر»، مجله حقوقی دادگستری، تهران: اداره مطالعات و پژوهش ستاد حقوق بشر قوه قضاییه، شماره ۵۸، صص ۶۴-۴۷

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]
[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]

۱۰. میرزاده کوهشاهی، نادر (۱۳۹۲)؛ «آسیب‌شناسی حقوقی نقش مدیران در رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان»، فصلنامه حقوق اداری، دوره ۱، شماره۱، صص۱۱۴-۸۱.
۱۱. هزارجریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل (۱۳۹۰)؛ «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن»؛ مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره نهم، صص۱۸-۱.

د) منابع مرجع

۱. قانون اساسی
۲. قانون مدیریت خدمات کشوری
۳. قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت
۴. منشور حقوق شهروندی
۵. تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری.

۲- منابع غیر فارسی

A. Books

1- Bignami, F (2010); From expert administration to accountability network, the American journal of comparative Law, No. 59، p .860
2- Drapper.JIAD (1982)" warf'law of enforcement،"Encyclopedia of Public Internation Law، p.323
3- Ginsburg, T, (2008); Rule by Law, The politics of Courts in authoritarian regimes, London, Cambridge University press ،p.3
4- Schlangen, Walter; (1973); Demokratie und bürgerliche Gesellschaft, W.Kohlhammer GmbH Verlag, Stuttgart ،p.168
5- Turner, Bryan S. (1994), "Postmodern culture; modern citizens", In B. Van Steenbergen (ed.): The Cpndition of Citizenship، p.381

B. Papers

1- Habibnejad, Ahmad; Balavi Mahdi, Bayat Komitaki, Mahnaz; "Judicial responsibility of state in protection of Citizen's Rights versus Human Rights Violation; Focusing on the judicial system of Iran"; International Journal of Humanities and cultural studies; (special Issue); January 2016; pp.1241 -1256

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-06]

[DOI: 10.29252/qjal.7.22.31]